

## بررسی جنبه‌های فرهنگی- قومی پایدارهای مقایسه‌ای (تشبیهات مثل‌گونه) توصیف‌کننده ظاهر در زبان‌های روسی و فارسی

\*<sup>۱</sup> شلیل ابراهیم شریفی<sup>۱</sup>، علیرضا ولی‌پور<sup>۲</sup>

۱. دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۲/۲۸

دریافت: ۹۴/۱۱/۱۱

### چکیده

مطالعات زبان‌شناسی فرهنگی از اواخر قرن بیستم تاکنون به بررسی و تفسیر ارتباط متقابل زبان و فرهنگ و عناصر سازنده تصویر زبانی جهان پرداخته است. فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن از جمله عناصر مهم هویت ملی به شمار می‌آیند. یکی از عناصر مهم فرهنگ عامه، امثال هستند که کاربرد و گستردگی آن‌ها باعث شده است نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری تصویر زبانی جهان داشته باشند. هر زبان دارای تصویر جهانی خاص خود است که نتیجه انعکاس دانش و شناخت گویشوران آن زبان از جهان است. پایدارهای مقایسه‌ای یا همان تشبیهات مثل‌گونه، لایه خاصی از امثال هستند که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند؛ مبنای شکل‌گیری آن‌ها مقایسه است و مقایسه، جزو جهانی‌های ذهن و از اولین فعالیت‌های شناختی انسان به شمار می‌آید. پایدارهای مقایسه‌ای، آینه تمام‌نمای تصویر جهانی زبان و نگرش اقوام مختلف به جهان هستند؛ زیرا نسخه‌صیقلی‌باقته سال‌ها تلاش همگانی مردم از درک جهان بوده و پایه منطقی استواری دارند که خاص گویشوران همان زبان است. مشخصه‌های نگاه‌های قومی به جهان در پایدارهای مقایسه‌ای به عنوان یکی از عناصر زبانی، به‌ویژه هنگام مقایسه آن‌ها با زبان، دیدگاه و نگرش ملت دیگر بیش از پیش آشکار می‌شود. پژوهش حاضر با روش مقایسه‌ای- تحلیلی و روش آماری با بررسی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان در زبان‌های روسی و فارسی به مقایسه و تحلیل تصویر جهانی زبانی گویشوران این زبان‌ها

پرداخته و نشان می‌دهد کدامین عناصر فرهنگی در شکل‌گیری آن‌ها دخیل هستند و چه میزان شباهت و تفاوت میان نگرش‌های فرهنگی و ملی این اقوام در پایدارهای مقایسه‌ای تجلی یافته است.

**واژگان کلیدی:** زبان و فرهنگ، مقایسه، پایدار مقایسه‌ای، تشبيهات مثل‌گونه، تصویر زبانی جهان.

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، رویکرد جدیدی به نام رویکرد انسان‌محور در یادگیری زبان شکل گرفته است که در آن به زبان، نه به عنوان یک نظام نشانه‌ای ایست، بلکه به عنوان ابزار گفت‌و‌گو، عضو جاذشدنی و حامل فرهنگ اقوام نگریسته می‌شود. از اواخر قرن بیستم زبان بیشتر به عنوان محصول فرهنگ و بخش مهم سازنده آن و عامل مهم شکل‌گیری کدهای فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است و زبان‌شناسی فرهنگی شاخه نسبتاً جدیدی از زبان‌شناسی است که «ارتباط متقابل زبان و فرهنگ را بررسی کرده و به تفسیر این رابطه می‌پردازد. موضوع آن فرهنگ مادی و معنوی و همهٔ عواملی است که شکل‌دهنده و سازندهٔ تصویر زبانی جهان<sup>۱</sup> هستند» (Alefirenko, 2010: 23).

هر زبان به روش خاص خود جهان را تقسیم‌بندی می‌کند؛ به عبارت دیگر، دارای روش خاص خود برای شناخت جهان است. اینجاست که می‌توان گفت هر زبان دارای تصویر جهانی خاص خود است. تصویر زبانی جهان نوع رابطه انسان با جهان (طبیعت، حیوانات و خود انسان به عنوان عضوی از جهان) را شکل می‌دهد، هنگارهای رفتاری انسان در جهان و ارتباط او با جهان را مشخص می‌کند. هر زبان طبیعی، روش مشخصی از درک و سازماندهی و فهم جهان را منعکس می‌کند (Maslova, 2001: 64-65).

آلفرینکو تصویر زبانی جهان را این‌طور تعریف می‌کند:

تصویر زبانی جهان عبارتست از مجموعه دانش‌های ساده و ابتدایی از جهان که در سطوح مختلف سیستم زبان (سطح واژگانی، سطح اصطلاحات، سطح دستوری) ثبت و حفظ شده است. این مجموعه دانش‌ها با درک ملی- زبانی از جهان ارتباط دارند (Alefirenko, 2010: 102).

هر زبان با وجود تصویر جهانی خاص خود یکی از عوامل اصلی انتقال طرز فکر<sup>۲</sup> و نگاه فرهنگی- ملی گویشوران خود در طول زمان و میان نسل‌های مختلف است درنتیجه با

بررسی تصویر جهانی زبان‌های مختلف می‌توان اطلاعات ارزشمندی در مورد نگاه گویشوران آن زبان‌ها به جهان به دست آورد. مشخصه نگاه‌های قومی به جهان به‌ویژه هنگام مقایسه آن با دیدگاه و نگرش یک ملت دیگر به یک پدیده مشابه، بیش از پیش آشکار می‌شود. به همین دلیل است که در حال حاضر مطالعات میان‌فرهنگی بین زبان‌های مختلف مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است.

یکی از عناصر مهم فرهنگ عامه، «امثال» هستند که کاربرد و گستردگی آن‌ها باعث شده است نقش مهمی در فرهنگ‌سازی داشته باشند و پایدارهای مقایسه‌ای به عنوان لایه خاصی از امثال که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند، آینه‌تمام‌نمای تصویر جهانی زبان و نگرش اقوام مختلف به جهان به شمار می‌آیند و چه‌بسا به گفته رویزنزون حتی بیشتر از سایر گونه‌های امثال تفکر، نحوه زندگی و رنگ فرهنگی گویشوران خود را انعکاس می‌دهند (Royzenzon, L.I., 1967: 110). پژوهش مربوطه در پی آن است با بررسی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان در زبان‌های روسی و فارسی به عنوان ابزارهای زبانی نشاندارشده فرهنگی به مقایسه و تحلیل فرهنگی معیارهای مقایسه این اقوام پردازد و نشان دهد چه میزان همبستگی فکری و فرهنگی میان آن‌ها وجود دارد. این پژوهش در چهارچوب تحقیقات زبان‌شناسی فرهنگی قرار گرفته و اولین گام در راستای مقایسه و بررسی پایدارهای مقایسه‌ای در دو زبان روسی و فارسی می‌باشد. روش تحقیق روش مقایسه‌ای-تحلیلی و روش آماری است. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که:

چه تفاوت‌هایی میان تصویر جهانی زبانی نهفته در پایدارهای مقایسه‌ای زبان‌های روسی و فارسی وجود دارد؟

و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که از آنجا که ایرانی‌ها و روس‌ها از نظر اعتقادی، نژادی و جغرافیای محل زندگی متفاوت هستند، پس در این حوزه باید اشتراکات فرهنگی به مرتبه کمتر از تفاوت‌ها باشد.

از آنجا که شمار پایدارهای مقایسه‌ای، زیاد و حوزه‌های آن‌ها نیز متفاوت است، بنابراین تنها پایدارهای مقایسه‌ای که به توصیف ظاهر انسان می‌پردازند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لب‌دووا در فرهنگ موضوعی پایدارهای مقایسه‌ای ظاهر انسان را به شانزده بخش (ریش / مو / سبیل، چشم، سر / کله، لب، شکم، دندان، پوست / حالت چهره، پا، دماغ، دست / انگشت، هیكل / تن،

گوش، گردن، گونه، تصور کلی از ظاهر، پوشش ظاهری) تقسیم می‌کند. ما مینا را این تقسیمات قرار می‌دهیم. تمام پایدارهای مقایسه‌ای روسی این پژوهش از این فرهنگ استخراج می‌شوند. برای استخراج پایدارهای مقایسه‌ای فارسی ابتدا به فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی رجوع کرده و تمام مواردی که با مدخل «مثل» شروع شده‌اند، بررسی و مواردی که در حوزه تقسیمات شانزده‌تایی لبدووا قرار گرفته‌اند، استخراج شده‌اند. چون این فرهنگ مشتمل بر مثل‌هایی هست که در گویش‌های مختلف ایرانی نیز کاربرد دارند، تنها مواردی برای بررسی نهایی انتخاب شده‌اند که در فرهنگ امثال و حکم دهخدا درج شده‌اند. در ضمن باید اشاره کرد که فرهنگ لبدووا که مبنای گردآوری نمونه‌های روسی مامی باشد، فقط حاوی پایدارهای مقایسه‌ای است که در روسی معیار، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

## ۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات در زمینه پایدارهای مقایسه‌ای در سه بخش تدوین فرهنگ‌ها و بررسی جنبه‌های مختلف پایدارهای مقایسه‌ای و تحقیقات مقابله‌ای بین زبان‌های مختلف صورت گرفته است. پایدارهای مقایسه‌ای در فرهنگ‌های تفسیری و فرهنگ‌های امثال زبان روسی منعکس شده‌اند و سال‌هاست که توجه فرهنگ‌نگاران روس را به خود جلب کرده‌اند و دستاورده آن تدوین فرهنگ بزرگ عبارات مقایسه‌ای موکینکو با بیش از ۴۵۰۰۰ عبارت پایدار مقایسه‌ای (2008)، پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی: فرهنگ کوچک موضوعی لبدووا با ۱۲۰۰ پایدار مقایسه‌ای (2011)، فرهنگ پایدارهای مقایسه‌ای (هم‌معنا- متضاد) آگولتسف با ۱۵۰۰ پایدار مقایسه‌ای (2001) و فرهنگ مقایسات و عبارات مقایسه‌ای در زبان روسی گورباچویچ: مشتمل بر ۱۳۰۰ مدخل (2004) است.

بررسی جنبه‌های مختلف پایدارهای مقایسه‌ای توسط محققان زیادی انجام شده است از جمله «جایگاه پایدارهای مقایسه‌ای در سیستم امثال- ل.ای. رویزنزون، شوتوروا ( & 1964 1968) تیخونف، کونگورف (1964)، ویژگی‌های ساختاری، معنایی و ترکیبی پایدارهای مقایسه‌ای- آنتونوا (1978)، لبدووا (1977)، پاولوا (1975)، ویژگی‌های استیلی پایدارهای مقایسه‌ای- برلیزون (1975 & 1973)، آگولتسف (1979)؛ تمايز پایدارهای مقایسه‌ای از ساختارهای مشابه دارای حرف ربط مقایسه‌ای- لبدووا (1976)، آشوروا (1970)، ویژگی‌های

شناختی پایدارهای مقایسه‌ای و نقش آن‌ها در ایجاد تصویر نمادین جهانی-لبدووا (1998)، ماسلووا (1997)، شملووا (1988). مطالعات مقابله‌ای از نظر ساختاری، بررسی ابعاد فرهنگی و بعد آموزشی پایدارهای مقایسه‌ای در مقایسه زبان روسی با زبان‌های مختلفی چون روسی-انگلیسی کونین (1969)، روسی-آلمانی کاوالیووا (1976)، روسی-انگلیسی-فرانسه گوتمان، لیتوین، چرمیسینا (1970) و غیره (Lebedeva, 1999: 6-7).

سابقه تحقیق درباره پایدارهای مقایسه‌ای در زبان فارسی بسیار اندک است. از حیث فرهنگنگاری در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای را فقط می‌توان در لابه‌لای فرهنگ‌های امثال در مدخل‌هایی که با ادات تشییه شروع می‌شوند، جستوجو کرد. پایدارهای مقایسه‌ای در زبان فارسی تحت عنوان تشییهات مثل‌گونه یا مثل‌گونه‌ها نام برده می‌شوند. این ساختهای دسته‌ای خاص و متمایزی هستند که لایه‌ای از امثال‌ها به شمار می‌آیند و تمام ویژگی‌های امثال را دارا هستند. احمد ابریشمی در تقسیم‌بندی خود از امثال‌ها، «تشییهات مثل‌گونه را دسته‌ای خاصی از امثال می‌داند که مبین صفات افراد و اشیاء هستند» (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۱۳). ذوق‌الفاری در تعریف تشییهات مثل‌گونه در فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی چنین می‌نویسد:

گاه در آغاز برقی مثل‌ها ادات تشییه «مثل»، «مانند»، «چون»، «انگار»، «گویی» و ... قرار می‌گیرند که به این گونه مثل‌ها، مثل‌های تشییه‌ی می‌گویند و تعداد آن‌ها نیز بسیار زیاد است. این گونه مثل‌ها در حکم شبه‌جمله هستند (ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

و جایی دیگر از آن‌ها تحت عنوان مثل‌گونه‌ها یاد می‌کند: «مثل‌گونه شامل تشییهات مثالی مبین صفات افراد و اشیاء است مانند: «مثل سگ حسن دله»، «مثل خرس»، «مثل گاو» و ...» (همو، ۱۳۹۴: ۹۱). در زبان فارسی امثال به دفعات و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند اما تا آنجا که نویسندهان اطلاع دارند تشییهات مثل‌گونه در زبان فارسی به طور مجزا مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند.

## ۲. بحث و بررسی

### ۱-۳. اهمیت مقایسه در شناخت جهان و انعکاس فرهنگ و جایگاه پایدارهای مقایسه‌ای

یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر، نیاز به کسب اطلاعات جدید و شناخت جهان پیرامون

است. انسان با حجم معینی از دانسته‌ها همواره به دنبال افزایش آن به کمک تحلیل و قایع جهان پیرامون است. وقایعی که برایش بدیهی می‌نماید را با آنچه به نظر ناشناخته می‌آید، مقایسه می‌کند و یکی از بزرگترین دستاوردهای فکر بشر همین یافتن ویژگی‌های مشترک میان اشیاء کاملاً متفاوتی است که هیچ رابطه مشترکی باهم ندارند. پاتبینی رابطه شناخت و مقایسه را بسیار تنگاتنگ می‌داند و ادعا می‌کند: «پروسه شناخت در اصل همان پروسه مقایسه است» (Потебня, 1997: 76). لبدووا مقایسه را فرم احساسی انکاس جهان واقعی در ذهن می‌داند و اشاره می‌کند: «در حالی که مقایسه می‌کنیم یعنی شباهت را در بخش‌هایی از اشیاء آشنا و ناآشنا بر می‌شماریم، هم‌زمان هم به شناخت جهان پیرامون می‌پردازیم و هم آن‌ها را توصیف کرده، ارتباط خود با آن‌ها را نشان می‌دهیم و به ارزیابی آن‌ها نیز می‌پردازیم» (Лебедева, 2011: 3). به کمک مقایسه اشیاء، اشخاص و اتفاقات جهان خارج به‌خوبی قابل توصیف هستند. آن‌ها جایگزین جملات وصفی طولانی شده و داشتن فرم کوتاه و نمادین یکی از مشخصه‌های آن‌هاست. در جریان ارتباطات گفتاری مقایسه‌های نمادین بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف از به‌کارگیری آن‌ها بیان تصورات نسبت به ویژگی‌های مشخص یک شیء یا واقعه است.

مقایسات نمادین به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مقایسات آزاد<sup>۲</sup> یا فردی- خلاقانه

۲. مقایسات پایدار<sup>۳</sup> یا عمومی- همگانی

مقایسات آزاد زیرمجموعه مقایسات ادبی به شمار می‌آیند؛ توسط نویسندهان ساخته شده و با هدف خلق تصاویر هنری مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مقابل این نوع مقایسات، پایدارهای مقایسه‌ای قرار دارند که قابلی استفاده به عنوان ساخته‌های از پیش‌آماده را داشته و جزو عناصر زبان به عنوان یک سیستم به شمار می‌آیند (Огольцев, 2001: 5).

هر زبانی حاوی شمار قابل توجهی از پایدارهای مقایسه‌ای است که به‌گونه‌ای نمادین انسان، پیرامون او و مبنای تمام تصورات وی از زمان، مکان، شمار و ... را وصف می‌کند. پایدارهای مقایسه‌ای توسط تمام گویشوران زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقایساتی که عناصر ساختاری آن‌ها نام اشیاء و مفاهیمی هستند که با زندگی روزمره و تجربیات روزانه انسان گره خورده‌اند، کاربرد همیشگی دارند. مبنای غالب مقایسات اسامی گیاهان، حیوانات، اشیاء و حوادث

طبیعی هستند. اما تمام مقایسات انجام شده توسط انسان در زبان ثبت نمی شوند.

زبان تنها بخشی از شمار زیاد و متنوع ارتباطات مقایسه‌ای اشیاء و حوادث پیرامون که توسط افراد ایجاد شده‌اند را ثبت می‌کند. این ارتباطات مقایسه‌ای مورد بررسی و انتخاب قرار می‌گیرند و تنها آن‌هایی حفظ و ثبت می‌شوند که با رسوم و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی اقوام مرتبط هستند. به همین دلیل پایدارهای مقایسه‌ای رنگ ملی-قومی دارند، (Огольцев، 2001: 5).

از آنجا که این ساخت‌ها جزو امثال به حساب می‌آیند پس تمام ویژگی‌های آن‌ها را نیز دارا می‌باشد. پایدارهای مقایسه‌ای یا همان تشیبهات مثل‌گونه موضوع مهمی برای فهم فرآیند درک انسان از جهان هستند و مقایسه آن‌ها در زبان‌های مختلف (در پژوهش مربوطه بین زبان‌های فارسی و روسی) اطلاعات زیادی از نگرش اقوام مختلف را آشکار می‌سازد.

از نظر ساختاری «پایدارهای مقایسه‌ای در زبان روسی در بیشتر موارد از فرمول منطقی C-A - مانند B تبعیت می‌کنند. A مشبه، C ویژگی مشترک یا وجه شبه و B مشبه به است که توسط حرف ربط *как* یا هم‌معناهای آن (*бұдто*, *словно*, *точно*) وارد فرمول مقایسه می‌شود:

*Слёзы крупные как горох* - قطرات اشک‌هاییش مانند گرد و درشت هستند.

*C      B      A      A      C      B*

*- баран мی‌بارد انگار از سطل* (*Дождь льёт как из ведра*)

*C      B      A      A      C      B*

در زبان فارسی هم تشیبهات مثل‌گونه ساختار مشابهی دارند.

## ۲-۳. مقایسه پایدارهای مقایسه‌ای حوزه ظاهر انسان

در مقایسه پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان مشاهده می‌شود که در برخی موارد نمادهای<sup>۰</sup> یکسانی در دو زبان برای مقایسه به کار رفته‌اند از جمله: موی سفید مثل برف- و در زبان روسی: *волосы белые как снег*; سیاه مثل پر زاغ- و در زبان روسی: *спутанные как вороново крыло* چشم‌مان گرد مثل جغد- و در زبان روسی: *войлок*، چولیده مثل نمد- و در زبان روسی: *глаза круглые как у совы*; لب باریک مانند قیطان- و در زبان روسی: *губы тонкие как ниточки* سیاه چرده مثل

سوسک- و در زبان روسی: *жук* *ларva* *астхованi* *мeл* *тeркe*- و در زبان روسی: *стройный как лозинка*, *гeдeн дeзaз мeл* *гуaз* - و در زبان روسی: *шeя* *борода* *как у гусya* *длинная как веник*. وجود چنین موارد مشترکی نشان‌دهنده بینش مشترک اقوام ایرانی و روس است. هرچه دو ملت اشتراکات فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی بیشتری با هم داشته باشند، تصویر زبانی جهانی آن‌ها به هم نزدیک‌تر و متعابقاً شمار پایدارهای مقایسه‌ای مشترک در میانشان بیشتر خواهد بود. بررسی نمادهای به کاررفته در این پایدارهای مقایسه‌ای مشترک نشان می‌دهد نمادها به سه حوزه تعلق دارند: اسمی حیوانات (زان، جغد، سوسک، غاز)، اسمی اشیاء (نمد، قیطان، جارو) و اسمی طبیعت بیجان (برف، ترکه). می‌بینیم که هیچ‌یک از این نمادها رنگ قومی خاصی ندارند و ویژگی‌های انتخاب شده در آن‌ها که مبنای مقایسه قرار گرفته است، گویای طرز فکر یا برداشت خاصی از جهان نیست.

برخی ویژگی‌ها فقط در یکی از این زبان‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند و زبان دیگر فاقد مقایساتی در آن حوزه می‌باشد. از جمله: صورت پر چین و چروک انسان مسن در زبان روسی با نماد *пeчeнoе яблOKO* (مثل سیب پخته)، چهره غیر قابل نفوذ - *как маска* (مثل ماسک)، کف دست پهن و بزرگ - *как лopатa* (مثل بیل)، گوش بزرگ - *как вареники, локаторы и лопухи* (مثل رادان، پیراشکی و گیاه بابا آدم) مقایسه و توصیف شده‌اند و در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای نظیر دهان فراخ مثل گاله، دهان کوچک مثل غنچه، ناخن بلند مثل کج بیل، گاهی چاق گاهی لاغر مثل مشک سقا به کار می‌روند. وجود پایدارهای مقایسه‌ای از این دست که فقط در یک زبان نمود دارند، گواه بینش مقاومت گویشوران آن زبان به مواردی در جهان خارج است که برای آن‌ها اهمیت داشته، ولی برای ملت دیگر جالب توجه نبوده است. وجود نماد مشک سقا کاملاً با سبک زندگی قدیمی ایرانی ارتباط دارد. این‌که چرا مثلاً روس‌ها کف دست را به بیل شبیه کرده و ایرانی‌ها ناخن را به آن و یا این‌که چرا اندازه گوش برای روس‌ها حائز اهمیت بوده و اندازه دهان برای ایرانی‌ها را می‌توان تا حدی با خصایص نژادی و اندازه جثه مرتبط دانست (روس‌ها نسبت به ایرانی‌ها هیکل درشت‌تری دارند): اما تفسیر دقیق این موارد از مسائلی است که در حوزه مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرد.

ارزیابی مثبت ظاهر زنان در میان پایدارهای مقایسه‌ای دو زبان نمود دارد. از جمله در زبان روسی زیبایی زنانه با نمادهای *как королева* (مثل شاهزاده خانمها)، *как кукла*، *как маков цвет* (مثل عروسک)، *как майский день* (مثل روز ماه می) و *как тонкая талия как у осьи-оси*-*зинбур* (مثل سینه زن) است و در زبان فارسی تنگ طلا و اگر به آن خصیصه سفیدی پوست هم اضافه شود، در زبان فارسی نماد مثل تنگ بلور استقاده می‌شود. می‌بینیم که نمادهای وصف زیبایی موجود در پایدارهای مقایسه‌ای این دسته، در انتخاب نماد بیشتر نظر به طبیعت دارند. وجود نماد بت به عنوان معیار سنجش زیبایی نیز می‌تواند با تاریخ ایران باستان و بتپرستی در ارتباط باشد. نماد مثل فرنگی‌ها به ویژگی‌های نژادی مربوط است و کاملاً رنگ ملی دارد. فرنگی یعنی کسی که موهای بور، پوست سفید و چشم انداز دارد و ایرانی‌ها اغلب دارای این ویژگی‌ها نیستند، بنابراین این کلمه در گذز زمان به عنوان نماد و معیار زیبایی انتخاب شده است.

زیبایی مردانه در زبان روسی با نماد *как бород* (مثل خدا) و در زبان فارسی با نماد مثل یوسف بیان می‌شود. علاوه بر این، هیکل تنومند مردانه با نمادهای *как слон* (مثل فیل)، *как шкаф* (مثل کمد) و در زبان فارسی-مثل دیو سپید، مثل رستم، مثل رخش به تصویر کشیده می‌شود. مردان دارای قامت زیبا و کشیده در زبان روسی با نماد *как кедр* (مثل درخت ارز) و *как тополь* (مثل سپیدار) وصف می‌شوند. وجود دو نماد مثل خدا و مثل یوسف کاملاً با باورهای مذهبی روس‌ها و ایرانی‌ها در ارتباط است. در آینین اعتقادی اسلام تصویرگری برای خدا، پیامبر و ائمه امری مذموم است و هرچند خدا را زیبا و منشأ خلق زیبایی به شمار می‌آورند، ولی تصور کردن زیبایی فیزیکی برای خداوند گناه محسوب می‌شود. از سوی دیگر اعتقاد به یوسف نبی و وصف زیبایی ایشان نیز با اعتقادات اسلامی پیوند دارد. نمادهای مثل دیو سپید، مثل رستم، مثل رخش هر سه به اسطوره‌های ادبیات داستانی ایران زمین مربوط هستند و وجود دو نماد مثل درخت ارز و مثل سپیدار هم کاملاً با ویژگی‌های طبیعی محیط زندگی روس‌ها و حضور غالب این درختان پیوند دارد.

چهره لطیف و زیبا در زبان روسی با نماد *как кровь с молоком* (مثل خون و شیر)

به هم آمیخته)، سرخ و زیبا *как девушка* (مانند دخترها)، *как яблоко* (مثل سیب) و در زبان فارسی با نمادهای مثل برف و خون به هم آمیخته، مثل برگ گل، مثل هلو و صفت می شود. نمادهای این دسته بیشتر از طبیعت الهام گرفته اند.

ارزیابی ویژگی‌های منفی ظاهر زنان نیز توسط پایدارهای مقایسه‌ای مختلفی انجام می‌شود از جمله در زبان روسی: چاق و بدھیکل - *как квашня* (مثُل تغَار خمیر)، رشت و *как ведьма*-*доска* (مثُل جادوگر)، پوست و استخوان- *как доска* (مثُل تخته) و *как* *хвастак*-*старуха* (مثُل گربه و لگرد)، گوژپشت- *как столетняя кошка* (مثُل پیرزن صدساله) و در زبان فارسی: چاق و شکم‌گذنه مثل خاله خمره، با چهره گوشته مثل ماما خمیره، مثل خاله خمیره، چاق و لباس زیاد پوشیده مثل خاله خرسه، آرایش جینع و رنندگرده مثل آتش افروز، مثل انت، مثل توگویی‌ها. نمادهای به کاررفته در این دسته بیشتر با ادبیات داستانی پیوند دارند. جادوگرها در ادبیات داستانی غالب ملل، ظاهروی رشت و *хвастак* دارند و اینجا به عنوان نماد مبنای تولید یک پایدار مقایسه‌ای در زبان روسی قرار گرفته است. خاله خرسه، خاله خمره، ماما خمیره و خاله خمیره شخصیت‌های فلکلوریک ادبیات داستانی زبان فارسی هستند.

در زبان روسی پایدار مقایسه‌ای وجود ندارد که به توصیف آرایش صورت پرداخته باشد. وجود نمادهایی که آرایش تند را به گونه‌ای منفی وصف کرده‌اند (آتش/فروز، اتر، نوک‌گردی) در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی می‌تواند نشان‌دهنده ارزش‌های فرهنگی اخلاقی اجتماعی ایرانی‌ها باشد. در فرهنگ اسلامی - ایرانی پوشیدگی و سادگی ظاهری ملاکی ارزشمند و پسندیده است؛ پس داشتن آرایش و به‌ویژه آرایش غلیظ امری مذموم است و همین‌طور مسئله باغث احاد باید راه، مقایسه‌ای، از این دست شده است.

مرد دارای ظاهر رشت در زبان روسی با پایدار مقایسه‌ای *некрасивый, страшный* و *как смертный грех* (زشت و وحشتناک مثل گناه مرگ‌آور) توصیف می‌شود. در زبان فارسی نماد خاصی که منحصر به توصیف ظاهر رشت مردانه باشد، در منابع مورد بررسی وجود ندارد؛ اما نمادهای مثل میمون، مثل نسناس برای توصیف رشتی به کار می‌روند و در رابطه با هر دو جنس به کار می‌روند. توصیف رشتی با گناه در زبان روسی سنجش یک اقوعه عنده، با یک مفهوم ه و تصور ذهنی است (همانند زیبار، ظاهیر، خدا ند)، اما نمادهای

کار رفته در زبان فارسی عینی و ملموسند.

لاغری از ویژگی های دیگری است که در هر دو زبان، شماری از پایدارهای مقایسه‌ای به آن تخصیص یافته‌اند. در زبان روسی برای توصیف لاغری هر دو جنس زیستی از نمادهای *как* (مثل گیاه نی قلم)، *как палка* (مثل کرم معده)، *как глисти* (مثل تخته جوب)، *как скелет* (مثل اسکلت)، *как хлыст*—(مثل مردان) و *как девочка* (مثل دخترچه‌ها) از نمادهای منحصر (مثل مومیایی)، *как мумия* (مثل مومیایی)، *как вобла* (مثل کلمه ماهی)، *как спичка* (مثل کبریت)، *как хвощ* (مثل کاشا) استقاده می‌شود.

در زبان فارسی نمادهای مثل چوب خشک، مثل اسکلت، مثل دوک، مثل عنکبوت، مثل غاغاله خشکه، مثل ملخ، مثل نی، مثل کرم معده، لاغر و نزار مثل تابوت خشکه، مثل دوک سیاه برای توصیف لاغری هر دو جنس به کار می‌روند. در کل، ویژگی لاغری در این مقایسات، همزمان این مفهوم را که لاغری وضعیت نامطلوب و مرتبط با مریضی است، القا می‌کند. نماد / Кощей کاشا در زبان روسی، به ادیبات فلکلوریک اسلامی مربوط است و کاملاً رنگ ملی دارد.

چاقی هم در پایدارهای مقایسه‌ای با نمادهای خاصی همراه است. در زبان روسی زن چاق با نماد *как твар хмір* و مرد چاق با نماد *как боров* (مثُل خوک) و هر دو جنس با نمادهای *как бочку* (مثُل بشکه)، *как свинья* (مثُل خوک)، چاق کوتاه‌قدر-*как колобок* (مثُل قِلْقَلی، *шар*) و در زبان فارسی توصیف چاقی هر دو جنس به کمک نمادهای مثل غول، مثل غول بی‌شاخوُدم، مثل بام غلتان، مثل خرس خوانسار، مثل کلم، مثل گلوله توپ، مثل توپ بیان می‌شود. در میان این نمادها *колобок*/*قلقلی* از شخصیت‌های داستانی ادبیات کودکان در زبان روسی و نمادهای غول، غول بی‌شاخوُدم از شخصیت‌های داستانی و خیالی در ادبیات فارسی هستند. نماد بام غلتان نیز جلوه‌هایی از سبک زندگی دیرین و اقليم ایران را متجلی می‌کند (استفاده از گل به عنوان مصالح ساختمانی بومی، ایران و وسیله‌ای که برای هموار کردن بام‌های گلی، استفاده می‌شده است).

توصیف قد انسان از ویژگی‌هایی است که در پایدارهای مقایسه‌ای منعکس شده است. روس‌ها شخصی که دارای قد بسیار بلندی است را با نمادهای как коломенская верста و مثلاً ورست کالو منسکی<sup>۷</sup>، как жираф<sup>۸</sup> (مثل زرافه)، как жерд<sup>۹</sup> (مثل تبر) می‌نامند.

کالانча (مثل برج)، как (مثل نیزه) بیان می‌کنند. همین مفهوم در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی با نمادهای مثل دیلاع، مثل علم یزید، مثل عوج بن عنق، مثل قاپق، مثل نردبان بزدها، مثل نردبان، مثل ماسوره، مثل تار ریسمان، مثل زینب غازچران ( فقط برای زنان) بیان می‌شود. البته تمام این نمادها بلندی بیش از حد قد را به عنوان یک خصیصه منفی نام می‌برند و در مفهوم آن‌ها خصیصه لاغری نیز مستتر است. البته در زبان فارسی نوعی پایدارهای مقایسه‌ای نیز وجود دارند که بلندی قد را به عنوان یک ویژگی ظاهری مثبت ارزیابی می‌کنند از جمله نمادهای مثل سرو، مثل سرو ناز، مثل شاخ شمشار، مثل صنوبر، مثل عرع. همچنین در زبان فارسی قد کوتاه به عنوان یک ویژگی منفی با نماد مثل گورزها و ریز جثه بودن با نمادهای مثل شاه موشان، مثل گنجشک بیان می‌شود. در این موارد در زبان روسی نمادی در فرهنگ لبدوا وجود ندارد. در میان نمادهای این دسته غازچران کاملاً رنگ قومی دارد.

سلامت و بیماری که در ظاهر انسان نمود داشته باشد، در پایدارهای مقایسه‌ای به گونه‌های مختلفی متجلی شده است. از جمله بیشتر آن‌ها با رنگ صورت در ارتباط هستند مثل: سفید و رنگ پریده - как *воск* (مثل موم)، *как тень* (مثل سایه)، *зрь* - *как* (مثل زعفران)، *как лимон* (مثل لیمو)، *как слоновая кость* (مثل عاج فیل)، *как пепел* (مثل خاکستر).

در زبان فارسی نیز نمادهای زرد و مریض مثل به پخته، بدن سرخ شده از مریضی / از حصبه مثل شله، مثل آتش سرخ حصار، بنفش از خون مردگی مثل بادمجان، سفید و رنگ پریده مثل گچ به کار می‌روند. علاوه بر این در زبان روسی پایدارهای مقایسه‌ای وجود دارند که در آن‌ها چهره انسان مریض با پرندگان مقایسه شده است: *нахохлиться как* (پر راست کردن مثل پرنده، گنجشک، قرقی).

در مورد سایر اندامهای مریض بدن نیز نمادهایی وجود دارند: دست‌های بی‌حس - *руки* (*вяло как чужие* (انگار مال خودت نیستند)، دست‌های باریک - *как палки* (مثل تخته)، *как спички* (مثل چوب کبریت)، *как соломинки* (مثل کاه)، پاهای ضعیف و بسیار مرقی - *как деревянные* (مثل این‌که مال خودت نیستند)، *как чужие* (انگار چوبی هستند)).

نماهایی هستند که توصیف‌گر رنگ چهره شخص سالم هستند.  
*(انگار به زمین جوش خورده‌اند)، как ватные* (*انگار از پنبه درست شده‌اند*). رنگ و روی چهره می‌تواند نشانه سلامت نیز باشد. در زبان روسی نماد *как помидор* (*مثل گوجه‌فرنگی*), *как кирпич* (*مثل آجر*) و *как яблоко* (*مثل سیب*) نماهایی هستند که توصیف‌گر رنگ چهره شخص سالم هستند.

رنگ صورت همچنین می‌تواند بیانگر تغییرات روحی افراد نیز باشد؛ چهره‌ای که به دلیل گرما، خجالت و غیره رنگش قرمز شده باشد، در زبان روسی با نماهای *как жар* (*مثل آتش*), *как маков* (*مثل خرچنگ پخته*), *как кумач* (*مثل قماش سرخ*), *как морковь* (*مثل گل شقاچیق*), *как медный самовар* (*مثل سماور مسی*), *как цвет* (*مثل گل همیشه‌گل*), *как пион* (*مثل گل اشرفی*) و در زبان فارسی -سرخ مثل لبو، مثل چغندر، مثل اطلس، سیاه از شدت خشم مثل مرکب توصیف می‌شود. کسی که به خاطر ترس، نگرانی و غیره دچار رنگپریدگی شده باشد، در زبان روسی با نماهای *как бумага* (*مثل کاغذ*), *как платок* (*مثل کچ*), *как мука* (*مثل مرده*), *как мел* (*مثل آرد*), *как мертвец* (*مثل مرد*), *как полотно* (*مثل کتان*), *как смерть* (*مثل مرگ*), *как стена* (*مثل دیوار*) و در زبان فارسی -رنگپریده از ترس مثل ماست، مثل مهتاب توصیف می‌شود. در مورد تغییر رنگ اندام‌های دیگر بدن هم پایدارهای مقایسه‌ای وجود دارند؛ برای مثال در زبان روسی پایدار مقایسه‌ای چشم قرمز - *как у кролика* (*مثل خرگوش*) به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل بی‌خوابی یا مريضی، گریه و غیره رنگ چشمش قرمز شده است. در زبان فارسی این مفهوم با نماد مثل کاسه خون بیان می‌شود. همچنین در زبان روسی دست و پایی که به دلیل سرما سرخ شده باشند را با نماد *как у гуси* (*مثل دست و پای غاز*) توصیف می‌کنند.

اندام‌های مختلف بدن هم هریک با نماد خاص خود در پایدارهای مقایسه‌ای نمود دارند و شمار قابل توجهی از پایدارهای مقایسه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ برای مثال در زبان روسی چشمان آبی رنگ با نماد *как васильки* (*مثل گل گندم*) و *как небо* (*مثل آسمان*) و در زبان فارسی با نماد مثل کجی آبی، در روسی موی بلند با نماد *как у русалки* (*مثل عروس دریایی*) و در فارسی - مثل گلالیون، مثل خوشة انگور، مثل کمند، در روسی شکم بزرگ با نماد *как пивной котел* (*مثل دیگ آجو*) و در فارسی - مثل خمره، مثل کربلایی

خیک ممد، مثل طبل، مثل خیک.

بیشتر پایدارهای مقایسه‌ای موجود در دو زبان نشان‌دهنده توصیف اعضای بدن از نظرگاههای متفاوتی هستند؛ برای مثال در زبان روسی برای بیان چشم درخشان نماد чистые как вода (مثل آب زلال) وجود دارد و در فارسی برای بیان زیبایی و کشیدگی چشم نمادهایی مثل بادام، مثل چشم آهو. در نمونه‌های روسی فقط به توصیف اندازه لب پرداخته شده است: *culoхای- как у негра* (مثل سیاهپوست‌ها) و باریک- *как ниточки* (مثل قیطان) و در نمونه‌های زبان فارسی علاوه بر اندازه، نمادهای زیادی برای توصیف رنگ قرمز لب وجود دارد: مثل انار، مثل عقیق، مثل شنگرف، مثل عقیق یمن، مثل لعل، مثل یاقوت. روس‌ها چشمان ریز را فقط با نماد *как щели* (مثل شکاف) توصیف می‌کنند؛ ولی در زبان فارسی برای این مفهوم نمادهایی مثل انچلک، مثل تخم خربزه، مثل چشم ترکان، مثل چشم مور، مثل سوزن، مثل شاهزاده، مثل عدس، مثل نخودیچی وجود دارد. روس‌ها برای توصیف گونه دو نماد چاق- *как у хомяка* (مثل همسستر) و آویزان- *как у бульдога* (مثل سگ بولدوگ) دارند و ایرانی‌ها - گونه پرگوشت مثل ترکمن‌ها، سرخ مثل انار، مثل سیب سرخ، مثل گل سرخ، مثل لاله و غیره.

دسته‌ای از پایدارهای مقایسه‌ای نیز توصیف‌گر وضعیت پوششی افراد هستند. در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی زنانی که پوشش زیبا و آراسته داشته باشند، بنمار *как* (مثل شاهزاده خانم‌ها)، *королева* (مثل عروسک)، *как принцесса* (مثل پرنسس) و مردان نیز با نمادهای *как жених* (مثل دامادها)، *картинка* (مثل تابلو نقاشی)، *как на свадьбу* (انگار عروسی می‌رود) و *под венец* (انگار روی سر شش تاج گذاشته‌اند) مقایسه می‌شوند.

برای مقایسه آراستگی پوششی در زبان فارسی از نمادهای مثل آقاها، مثل دسته گل و مثل پرگار استفاده می‌شود. البته عبارت رخت پُلخوری پوشیده نیز به این معنا است؛ ولی به دلیل نداشتن حرف ربط مقایسه‌ای در فرهنگ‌های مورد بررسی، جزو پایدارهای مقایسه‌ای به شمار نیامده است. لباس زشت و گشاد و نامناسب در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی با نمادهای نیامده است. (انگار به نیزه کشیده شده است)، *как на шесте* (انگار سر خرمن)، *как на шешке* (انگار به نیزه کشیده شده است)، *как на пугало огородное* (مثل مترسک)، *как чучело* (مثل مترسک)، *как мешок* (مثل گونی).

(انگار روی چوب لباسی آویزان شده)، *как нищий* (مثل گداها)، *как бомж* (مثل ولگرها)، *как коровье седло* (مثل گاوی که زین شده است)، چروک- *как жёваный* (انگار جویده شده) و آجق وَجَقْ- *как попугай* (مثل طوطی) مقایسه شده است. در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای: مثل امامزاده جل‌بندی، بدلاس مثل جل ظرف‌شویی، گشاد و زشت مثل پیراهن عمر، مثل پالان، مثل جان‌خانی؛ رنگارنگ مثل آستین رنگزها، مثل تخت بزاران؛ لباس کوتاه و غیر معمول مثل رقصان‌ها، مثل چل‌بند؛ لباس با رنگ نامناسب مثل دهاتی‌ها، مثل جوکی‌ها؛ کثیف مثل دبه روغن چراغ، مثل شاگرد آشپزها، مثل قاب دستمال، مثل توانگی‌ها، مثل شرابی‌ها، مثل مالک دوزخ و چروک، انگار از دهان گاو بیرون آمده است، به کار می‌روند. در میان این نمادها، پیراهن عمر با یک داستان تاریخی- مذهبی و امامزاده جل‌بندی با یک باور مذهبی و رفتار فرهنگی پیوند دارند. در میان نمادهای زبان فارسی در این حوزه ارتباط نساد با افراد دارای مشاغل خاص، پرنگ‌تر از سایر حوزه‌هast.

### ۳-۳. بررسی توزیع پایدارهای مقایسه‌ای با توجه به اجزای ظاهری بدن

از نظر تعداد در منابع مورد بررسی در هر بخش نسبت پایدارهای مقایسه‌ای بدین گونه بوده است: ریش، مو، سبیل (۲۷ نمونه روسی و ۲۳ نمونه فارسی)، چشم (۲۱ نمونه روسی و ۱۹ نمونه فارسی)، سر، کله (۶ نمونه روسی و ۴ نمونه فارسی)، لب (۲ نمونه روسی و ۱۲ نمونه فارسی)، شکم (۱ نمونه روسی و ۶ نمونه فارسی)، دندان (۳ نمونه روسی و ۴ نمونه فارسی)، پوست، حالت چهره (۵۳ نمونه روسی و ۲۸ نمونه فارسی)، پا (۱۰ نمونه روسی و ۱ نمونه فارسی)، دماغ (۴ نمونه روسی و ۳ نمونه فارسی)، دست، انگشت (۱۰ نمونه روسی و ۵ نمونه فارسی)، هیکل، تن (۳۵ نمونه روسی و نمونه فارسی)، گوش (۳ نمونه روسی، بدون نمونه فارسی)، گردن (۲ نمونه روسی و ۳ نمونه فارسی)، گونه (۲ نمونه روسی و ۵ نمونه فارسی)، تصور کلی از ظاهر (۱۳ نمونه روسی و ۱۹ نمونه فارسی)، پوشش (۱۸ نمونه روسی و ۲۲ نمونه فارسی). در این پژوهش ۴۷ پایدار مقایسه‌ای (۲۱۰ ترکیب از زبان روسی و ۲۱۷ ترکیب از زبان فارسی) مورد بررسی قرار گرفتند. نحوه توزیع این پایدار مقایسه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

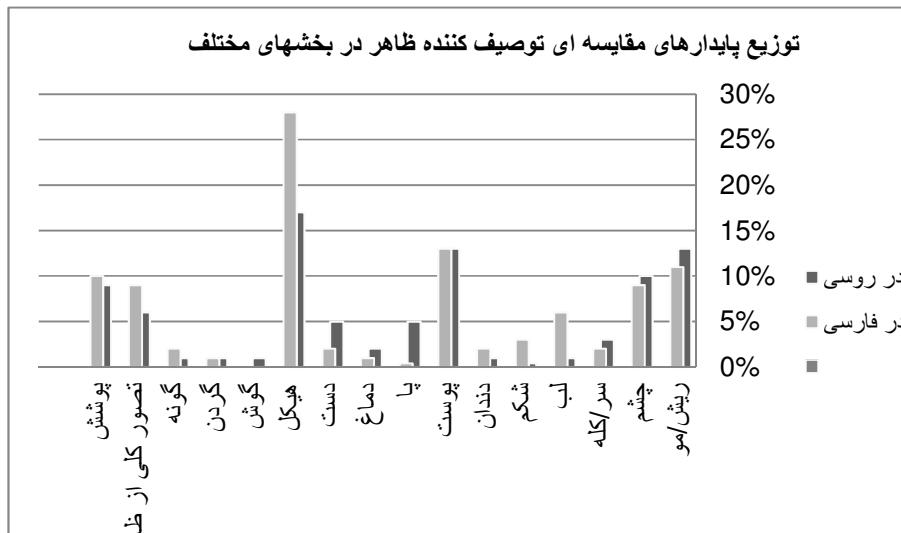
جدول ۱ توزیع پایدارهای مقایسه‌ای با توجه به اجزای ظاهری بدن  
Table 1. Distribution of comparative stables based on body members

نام حوزه مورد بررسی	پوست	دندان	لب	شکم	سر / گله	چشم	ریش / مو
نام حوزه مورد بررسی	پوشش	گونه	گردن	گوش	دست	دماغ	پا
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای فارسی به کل نمونه‌های فارسی	%۱۳	%۱۳	%۱۹	%۲۰.۴	%۱	%۱۰	%۱۱
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای روسی به کل نمونه‌های روسی	%۱۲	%۲	%۳	%۲	%۲	%۹	%۹
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای حوزه مربوطه به کل نمونه‌ها	%۱۹	%۲	%۲	%۲	%۲	%۹	%۱۲
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای فارسی به کل نمونه‌های فارسی	.	.	.	.	.	.	.
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای روسی به کل نمونه‌های روسی	.	.	.	.	.	.	.
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای حوزه مربوطه به کل نمونه‌ها	.	.	.	.	.	.	.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل مقابله‌ای و فرهنگی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر در زبان‌های روسی و فارسی به عنوان گامی آغازین در پژوهش‌های مقابله‌ای این حوزه نشان می‌دهد بیشترین تعداد مقایسات مربوط به توصیف هیکل (۲۲٪) و کمترین آن‌ها مربوط به توصیف

گوش (۱٪) و گردن (۱٪) می‌باشد. در میان این ۴۲۷ مورد ۱۴ مورد اشتراک وجود دارد (۳٪) و بقیه موارد کاملاً متفاوت هستند و این یعنی سطح بسیار ناچیز اشتراکات فرهنگی میان روس‌ها و ایرانی‌ها و در پی آن، تفاوت فاحش در تصویر جهانی زبانی آن‌ها که خود مؤید فرضیه تحقیق است. نحوه توزیع نمونه‌های مورد بررسی را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:



نمودار ۱. توزیع پایدارهای مقایسه‌ای توصیف کننده ظاهر در بخش‌های مختلف

Figure 1. Distribution of comparative sables of body member determiners

وجود مبنای مقایسه مشترک در بیشتر پایدارهای مقایسه‌ای مورد بررسی به دلیل طبیعت بشری یکسان و انتخاب نمادها و معیارهای متفاوت در همان پایدارهای مقایسه‌ای به دلیل مسائل اقلیمی، تاریخی، اجتماعی، مذهبی، اخلاقی متفاوت در جوامع مورد بررسی است و فهم آن‌ها آشنایی با مسائل تاریخی، فرهنگی، دینی و اجتماعی را می‌طلبد. بررسی وجود تمایز نمادهای به‌کاررفته در پایدارهای مقایسه‌ای مورد بررسی در این پژوهش نشان می‌دهد در این تمایز، نقش عناصر و باورها و رفتارهای مذهبی و شخصیت‌های تاریخی (как бог / как Ход, مثل یوسف، مثل بت نوشاد، مثل امام‌زاده جلبندی، مثل پیراهن عمر، مثل علم یزید و

غیره، شخصیت‌های فلکلوریک ادبیات اسطوره‌ای و داستانی (مثل دیو سپید، غول بی‌شاخ و دُم، مثل رستم، مثل رخش، как ведьма / مثل جادوگرها، Кошечка / کاشا، как / مثل کولوبوک، مثل خاله خرسه، خاله خمیره و غیره)، اقلیم جغرافیایی و ایزه‌های زندگی (مثل درخت ارز، как тополь / مثل سپیدار، مثل سرو، مثل بام غلتان، مثل مشک سقا، как коломенская верста / مثل ورست کالومنسکی، как пивной / مثل دیگ آبجو) بسیار پررنگ است.

در نمونه‌های مورد بررسی، تعداد نمادهای مرتبط با باورهای مذهبی در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی بیشتر از زبان روسی است و در زبان روسی استفاده از حیوانات به عنوان نماد بیشتر از پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی است. در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی بیشتر به مقایسه جزئیات چهره پرداخته شده است (وجود نمادهای متعدد برای توصیف سرخی لب، کشیدگی چشم و ریزی چشم و اندازه دهان)، در مقابل حالت و احساس مریضی در چهره و اندام‌های بدن نمود بیشتری در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی داشته است. در تعداد بیشتری از پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی، تفکیک جنسیتی در کاربرد نمادها نمود دارد و این مسئله، به جز موارد اندکی، در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی مشاهده نمی‌شود.

## ۵. پی‌نوشت‌ها

1. языковая картина мира – language's picture of the world
  2. менталитет-mentality
  3. свободные сравнения- free comparison
  4. устойчивые сравнения- stable comparison
  5. образ-symbol
۶. کاشا نمیر: کاشا (از ریشه КОСТЬ به معنای استخوان و معنای اولیه آن لاغر است)، شخصیت داستان‌ها و ادبیات فلکلور (به‌ویژه قصه‌های جادوگران) اسلامو است.
۷. واحد اندازه‌گیری طول که در روزگار قدیم در روسیه مورد استفاده قرار می‌گرفته و معادل ۱.۸۰ کیلومتر است.

## ۶. منابع

- ابریشمی، احمد (۱۳۷۶). *مثل‌شناسی و مثل‌نگاری*. تهران: زیور.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. چ. ۶. تهران: سپهر.
- ذوق‌القاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ خرب المثل‌های فارسی*. تهران: علم.
- ———— (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی ساخت‌های قabilی در زبان عامه». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د. ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۶۹-۹۸.

- Алефиренко Н.Ф. (2010). Лингвокультурология. Ценностно-смыслоное пространство языка: учебное пособие. Москва: Флинта.
- Горбачевич К.С. (2004). Словарь сравнений и сравнительных оборотов в русском языке: около 1300 словарьных статей. Москва: ООО«Издательство АСТ»; ООО «Издательство Астрель»: ЗАО НПП«Ермак».
- Лебедева Л.А. (2011). Устойчивые сравнения русского языка: краткий тематический словарь. Москва: Флинта.
- Лебедева Л.А. (1999). Устойчивые сравнения русского языка во фразеологии и фразеографии, автореф. дис. кан. фил. наук: 10.02.01, Краснодар. 40с.
- Маслова В.А. (2001). Лингвокультурология: Учеб. пособие для студ. высш. учеб. Заведений. Москва: Академия.
- Мокиенко В.М., Никитина Т.Г. (2008). Большой словарь русских народных сравнений. Москва: ЗАО < ОЛМА Медиа Групп>.
- Огольцов В.М. (2001). Словарь устойчивых сравнений русского языка(синонимо- антонимический). Москва: Астрель.
- Потебня А.А. (1997). Из лекций по теории словесности. Басня. Пословица. Поговорка. Лекция восьмая. Москва: Русская словесность: Антология. С.76.
- Ройзензон Л.И., Ройзензон С.И. Некоторые соображения о сравнительном

изучении фразеологии (на материале устойчивых компаративных оборотов восточных языков) // Вопросы фразеологии и грамматического строя языков. Ташкент, 1967. С. 110- 114.

### References:

- Abrishami A. (1376). *The proverb's Identification and Registration*. Tehran: Ziwar [In Persian].
- Alefirenko N. F. (2010). *Cultural Linguistics. Axiological Space of Language: A Textbook*. Moscow: Flint. [In Russian].
- Dehkhoda A.A. (1363). *The Adage*. 6- Edition. Tehran: Sepehr. [In Persian]
- Gorbachevich K.S. (2004). *Dictionary of Compare and Comparative Units in the Russian Language: About 1300 Phrase*. Moscow: OOO "Publisher AST": OOO "Publishing house Astrel": ZAO NPP "Ermak".[In Russian].
- Lebedeva, L.A. (1999). *Stable Comparison of the Russian Language in Phraseology and Phraseography*, author. dis. Kan. Phil. Sciences: 10.02.01 Krasnodar. 40C. [In Russian].
- Lebedeva, L.A. (2011). *Stable Comparison of the Russian Language: A Brief Thematic Dictionary*. Moscow: Flint. [In Russian].
- Maslova V.A. (2001). *Cultural Linguistics: A Textbook for Stud*. Moscow: Academy. [In Russian].
- Mokienko V.M. & T. G. Nikitina (2008). *A Large Dictionary of Russian Folk Comparisons*. Moscow: ZAO <OLMA Media Group>.[In Russian].
- Potebnja A.A. (1997). *From Lectures on the Theory of Literature. Fable. Proverb. Saying. Lecture eighth*. Moscow: Russian literature: an anthology. P. 76. [In Russian].
- Roizenson L.I., Roizenson S.I. (1967). "Some considerations on the comparative study of phraseology (based on the stable comparative steady of

phrase in Eastern languages". *Questions of Phraseology and Grammatical Structure of the Language*. Tashkent, PP. 110 - 114. [In Russian].

- Ugoltsev V.M. (2001). *The Dictionary of stable Comparisons of the Russian Language (Sinonimo - Antonymy)*. Moscow: Astrel. [In Russian].
- Zolfaghari H. (1392). *A Great Dictionary of Persian Proverbs*. Tehran: Science. [In Persian].
- Zolfaghari H. (1394). "The typology of molded structures in the colloquial language". *Language Related Research*. Vol. 6. No. 4. Pp. 69-98. [In Persian].